

تحلیل گفتمان انتقادی فساد در مطبوعات ایران دهه ۹۰

مجید موحدمجد^۱، حسن خشنود^۲، زهرا معاون^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/CSR.2021.22048.1823

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۷۰-۴۳

چکیده

فساد به معنای تبدیل روابط اجتماعی به مبادله‌ای سودمندانه و درعین حال تبعیض‌آمیز است که طی آن اهداف عام جای خود را به اهداف خاص می‌دهد و مقام، منصب، رابطه‌گرایی، رانت خواری جایگزین قانون‌گرایی، امانت‌داری، شایسته‌سالاری، شرافت می‌شود. در این تحقیق به بررسی وضعیت فساد در مطبوعات ایران پرداخته‌ایم. جهت انجام این مطالعه چهار روزنامه شرق، روزنامه اعتماد، روزنامه کیهان، روزنامه وطن امروز از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. هرکدام از روزنامه‌های انتخاب شده دارای گفتمان متفاوتی هستند به گونه‌ای که هرکدام از آن‌ها بادی متفاوت فساد را بازتاب می‌دهند و سعی شده است با انتخاب این روزنامه‌ها تا حدود زیادی جریان‌های سیاسی و گفتمان‌های مختلف پوشش داده شود. در مراجعه به هر روزنامه، به طور خاص به دهه ۹۰ نظر شده و این بازه زمانی مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا مطالب مربوط به فساد در این بازه زمانی و در این روزنامه‌ها برجسته‌تر از قبل بوده است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و هم‌چنین نمونه‌گیری معیار، متون، گزارش‌ها و مقالاتی انتخاب شده‌اند که دارای بیشترین اطلاعات و معیارهای محقق در موضوع مورد مطالعه هستند و تلاش خواهد شد تا تنوع نمونه نیز به خوبی رعایت و حفظ شود. برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، از روش‌های تحلیل متنی «فرکلاف» استفاده شده است. با استفاده از روش فرکلاف به نقش ساختارها در بازتاب فساد و ایدئولوژی‌های پنهان از لحاظ زبان‌شناسی و متنی پرداخته شده است. براساس یافته‌ها، به‌طور کلی روزنامه‌ها به جای این‌که به بررسی ساختاری مسئله فساد و دادن راه‌کار برای حل مسأله بپردازند، درگیر افشاگری فساد و انتساب این فسادها به دوره مدیریت گفتمان مخالف هستند و یک نوع گفتمان سخن‌پراکنی در مطبوعات حاکم است.

کلیدواژگان: بینامتنیت، شفافیت، فساد، گفتمان انتقادی، مطبوعات.

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول). Email: mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳. استادیار گروه گردشگری و هتل‌داری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۱. مقدمه

فساد یکی از پدیده‌های جهانی است که از دیرباز با پیدایش شکل‌های اولیه حکومت وجود داشته و عاملی مهم در ایجاد آسیب و ضرر به سیاست‌ها و منافع عمومی تلقی می‌شود (سازمان بین‌المللی شفافیت، ۲۰۰۵: ۲۶). فساد در هر سیستمی براساس صورت‌بندی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اشکال خاصی به خود می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را در نظام‌های متعدد به شکل: رشوه برای انجام کار یا اخذ امتیاز، پاداش برای حُسن خدمت، بی‌احترامی به ارباب‌رجوع اداری، سوءاستفاده از اسناد و مدارک موجود در راستای منافع شخصی یا فامیل یا گروه‌های قومی، نژادی یا طبقه خاص، خرید کارگزاران اداری، به‌کارگیری کارگزاران و اموال سازمان به نفع منافع شخصی، دست‌کاری اسناد، فروش اسناد دولتی، کم‌کاری، دست‌کاری در اسناد مناقصات و فروش خدمات، حیف‌ومیل اموال عمومی، فراموشی وظایف سازمانی در اداره و رفیق‌بازی اداری مشاهده نمود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳).

به نظر می‌رسد تعریفی جامعه‌شناختی از فساد بهتر می‌تواند حدود مفهومی آن را تعیین نماید. از این منظر، فساد تبدیل روابط اجتماعی به مبادله‌های سودمندانه تبعیض‌آمیز است که طی آن، اهداف عام جای خود را به اهداف خاص می‌دهد و خیری نامحدود (نظیر: قانون‌گرایی، امانت‌داری، حلال‌خوری، شرافت‌کاری، رعایت موازین حرفه‌ای و تخصصی، وفاداری، تعهد، صداقت، فضیلت، حریت، علم، حق‌طلبی و از این قبیل) به خاطر خیری محدود (پول، مقام و منصب، مدرک، پرستیژ، نفوذ، اعتبار اجتماعی) قربانی می‌شود (دوگراف^۱ و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۱).

یکی از عوامل اجتماعی مهم در راستای کنترل و مبارزه با فساد، رسانه‌ها و به‌ویژه «مطبوعات» هستند. نقش رسانه‌ها فقط اطلاع‌دادن به مردم در مورد واقعیات و وضعیت جامعه نیست؛ آن‌ها می‌بایست در آموزش عموم و حمایت از مقابله علیه فساد نیز فعالیت داشته باشند. آن‌ها می‌توانند با گزارش دادن در مورد رفتارهای فاسد دولتمردان، بازگو کردن آن در برنامه‌های عمومی و بررسی آن از جوانب مختلف از دستور کار مبارزه با فساد حمایت کنند. واقعیت این است که رسانه‌ها با خبررسانی و افشاگری، از چنان پتانسیلی برخوردارند که می‌توانند فضا را برای سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال ناامن کرده و بساط بسیاری از بسترهای ناپاک را از بین ببرند، اما شرط این تأثیرگذاری، دوری از موج‌سواری و تبدیل نشدن به ابزار جریان‌های سیاسی است (فرقانی، ۱۳۸۲: ۲۳). به نظر می‌رسد هم‌چنان‌که ذکر شد مطبوعات بتوانند نقش مهمی در ایجاد شفافیت و نیز کنترل فساد داشته باشند.

نگارندگان در این پژوهش به دنبال نحوه بازنمایی فساد در روزنامه‌ها هستند؛ در واقع، این پژوهش به دنبال بررسی نقش ساختارها در بروز فساد و افشاگری‌های رسانه‌ای بوده است. بازنمود گفتمان‌های مختلف درباره فساد، فرآیند مهمی است که در این روزنامه‌ها صورت می‌گیرد و جزئیات ظریف این بازنمود گفتمانی را (که در ظاهر صرفاً ویژگی‌های فنی معنایی و دستور متن هستند) می‌توان براساس آثار و عوامل تعیین‌کننده اجتماعی تنظیم کرد و باید به نحوه شکل‌گیری این گفتمان‌ها توسط مناسبات و ساخت‌های اجتماعی و نقش آن‌ها در شکل‌دهی این مناسبات نیز توجه کرد.

پرسش‌های پژوهش: پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: در ارتباط با فساد، رابطه ایدئولوژی و زبان در متون مطبوعاتی چگونه تجلی می‌یابد؟ دیدگاه‌های مختلف فساد چگونه در متون آشکار می‌شود و این دیدگاه‌ها کدام‌اند؟ چه ارتباطی بین ساختار قدرت و بافت اجتماعی وجود دارد و ارتباط آن‌ها با وضعیت فساد در کشور چگونه است؟

۲. ادبیات تجربی تحقیق

تاکنون تحقیقات داخلی و خارجی متعددی در باب فساد به انجام رسیده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

«رهنورد» و همکاران (۱۳۸۹)، تحقیقی باهدف شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در میان کارکنان بخش دولت ایران به‌روش توصیفی و اکتشافی انجام داده‌اند. تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پنج گروه عوامل تأثیرگذار بر فساد مالی عبارتند از: قانون‌گریزی مدیران؛ عدم پاسخ‌گویی و نظارت ضعیف؛ ضعف سیستم ارزیابی عملکرد؛ بوروکراسی زائد بخش دولتی؛ و ناکارآمدی سیستم نگه‌داری.

«خندان» (۱۳۹۳)، تحقیقی با عنوان «فساد سیاسی و اداری: تأثیرات متقابل و نقش عوامل اجتماعی» انجام داده است. این مقاله در کنار بررسی تأثیرات متقابل این دو نوع از فساد، به تبیین علل هر دو با تأکید بر ریشه‌های اجتماعی آن‌ها پرداخته است. با بررسی هر دو نوع فساد در ۷۵ کشور نتایج به دست آمده نشان داد که یک رابطه مکمل بین فساد سیاسی و اداری وجود دارد.

«ذوالفقاری» و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای با عنوان «بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات (تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸)» بیان می‌کنند که در مطبوعات ایران، مفهوم جامعه مدنی با مفهوم مدینه‌النبی هم‌ارز قرار گرفته است. در این میان، هر دو طیف در بازنمایی این مفهوم بر سه اصل دولت، شهروندی و مشارکت اجتماعی تأکید کرده‌اند. با این تفاوت که روزنامه‌های

«اصلاح طلب» در مفصل بندی این مفهوم به قوانین مردمی و دموکراتیک متوسل می شوند. در مقابل روزنامه‌های «اصول‌گرا» در ساخت بندی گفتمانی از دال مرکزی جامعه-امت دینی استفاده کرده‌اند.

«تفنگ چی» و «کاظمی» (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌های رسانه ای بی‌بی‌سی فارسی (مطالعه موردی: برنامه «صفحه ۲ آخر هفته»)» انجام داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که برنامه مذکور از: شگردهای تخصصی گفتمانی بین مهمانان برنامه، طرد گفتمان‌های مختلف، مانند اسلام سیاسی و ایجاد معانی تثبیت شده توسط گفتمان القایی و تبلیغاتی، سود جسته است؛ هم‌چنین بی‌بی‌سی فارسی در قالب این برنامه گفت‌وگو محور با استفاده از ساختارهای تعارض، گره‌افکنی و طرح ناسازگاری‌های گفتمانی، درصدد بر ساختن چهارچوب‌های معنایی برای مخاطبان خود است؛ مانند غیردموکراتیک بودن و جدایی اسلامیت از جمهوریت و هم‌چنین در تلاش است بسیاری از معانی تثبیت شده در ذهن مخاطبان خود را به پرسش بکشد که در نهایت امر به موفقیت سیاست‌های کلان برنامه، شبکه و پرکردن بخشی از پازل دیپلماسی رسانه‌ای بریتانیا برای ایران می‌انجامد.

«بیابانی» و «ذوقی» (۱۳۹۷)، در مطالعه ای با عنوان «رسانه‌ها ابزاری برای ترویج شفافیت و مقابله با فساد سیاسی و مالی» بیان می‌کنند که رسانه‌ها می‌توانند آگاهی را در مورد مشکلات مربوط به فساد افزایش و به هنجارهای اجتماعی و ارزیابی اخلاقی از رفتار فاسد درون جامعه را شکل دهند؛ زیرا شواهد تجربی اهمیت فرهنگ عمومی ضد فساد، آگاهی در مورد فساد و هنجارهای اجتماعی را برای مبارزه با فساد، برجسته می‌سازند. رسانه‌ها اغلب «در خدمت تقویت کنترل منافع قدرتمندان» هستند؛ اما شفافیت به تنهایی در کاهش فساد کافی نیست. دسترسی گسترده به اصلاحات، باید «توانایی پردازش اطلاعات و انگیزه‌هایی برای عمل براساس اطلاعات پردازش شده» همراه شود؛ چراکه اگر رسانه‌ها نقش نظارتی خود را ایفا کنند، احتمال این‌که خطاهای مسئولان افشا و دچار پیگیری قضایی شوند و یا قدرت یا شهرت خود را از دست دهند، افزایش می‌یابد.

«سپهر دوست» و همکاران (۱۳۹۵)، تحقیقی باهدف بررسی کانال‌های تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در اقتصادهای رانتی و غیررانتی به صورت هم‌زمان و هم‌چنین تعیین چگونگی اثرات متقابل آن‌ها بر روی فساد انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که هر دو نوع شاخص فساد، دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه هستند و انتقال اثر از طریق کانال‌های سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت، بی‌ثباتی سیاسی و درجه باز بودن اقتصاد، معنی دار است.

«فیولدی»^۲ (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان فساد سیاسی و ثبات نهادی به بررسی ارتباط متقابل بین نهادهای سیاسی و فساد پرداخته است. این پژوهش به تجزیه و تحلیل داده‌های ۱۲۸ کشور در بازه زمانی ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ م. پرداخته است. نتایج، یک تعادل یا یک موازنه نادرست را نشان می‌دهد که در آن، سطح بالای از فسادهای سیاسی رژیم‌های غیردموکراتیک و یا نیمه‌دموکراتیک را تثبیت می‌کند و آن‌ها را در برابر دموکریزاسیون و کاهش فساد مقاوم‌تر می‌کند.

«تالاپسی»^۳ (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان: «گفتمان فساد: ارزیابی در رسانه‌اندونزی»، فساد را به عنوان یک گفتمان مورد بررسی قرار می‌دهد. نمونه با مورد بررسی روزنامه‌جاکارتا است که به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که پرونده‌های فساد در رسانه‌های اندونزیایی سرگرم‌کننده هستند. با استفاده از مفهوم بین شخصی، روزنامه‌نگاران می‌توانند از اسناد خود برای نشان دادن طرف مقابل در مورد پرونده فساد استفاده کنند.

«ایساکو»^۴ و همکاران (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «استفاده از استعارات فساد در رسانه‌های آنلاین نیجریه، عراق و مالزی» به دنبال این بوده‌اند که چگونه رسانه‌های مختلف کشورها مفهوم فساد را مفهوم‌پردازی می‌کنند. نتایج نشان داد که روزنامه‌های آنلاین نیجریه از استعاره‌های بیشتری برای فساد اداری استفاده می‌کنند تا مجلات عراقی و مالزی.

تاجایی که بررسی شد بیشتر تحقیقات انجام شده در این حوزه از روش اسنادی استفاده نموده‌اند و کمتر مطالعه‌ای است که از روش تحلیل گفتمان در بررسی فساد استفاده نموده باشد. علاوه بر این، تحقیقات مذکور بیشتر درصدد بررسی علل و پیامدهای فساد هستند. نگارندگان در این پژوهش با یک رویکرد متفاوت با یک «گفتمان انتقادی» سعی در بررسی بازتاب فساد در مطبوعات ایران (نمونه‌های مورد بررسی) دارند؛ از این رو این پژوهش به دنبال آسیب‌شناسی و پیدا کردن علت فساد نیست، بلکه فساد را به عنوان یک موضوع گفتمانی در نظر گرفته و سعی می‌کند ابتدا نقش ایدئولوژی‌های مختلف در بازتاب رسانه‌ای فساد را بشناساند.

۳. ادبیات نظری: تحلیل گفتمان انتقادی

سابقه واژه «گفتمان» بنا بر برخی منابع، به قرن ۱۴ م. برمی‌گردد؛ از واژه فرانسوی Discourse و لاتین Discourses به معنی «گفت‌وگو»، «محاوره»، «گفتار» گرفته شده است (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۱۰).

تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی

زمینه متن سروکار ندارد، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره سروکار دارد؛ بنابراین، تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن) واحدهای زبانی، محیط بالفصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل بیرون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

۴. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»^۵

نورمن فرکلاف، کار خود را با انتقاد از رویکردهای توصیفی و غیر انتقادی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی، آغاز می‌کند. به زعم وی، تحلیل گفتمان انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و کنش‌های گفتمانی، به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۵-۳۵).

در نگاه وی، تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود؛ مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین عناصر نظری فرکلاف عبارتند از: مجموعه متن، پاره‌گفتار، پرکتیس گفتمانی^۶، پرکتیس اجتماعی^۷، نظم گفتمانی^۸، رخدادهای ارتباطی، میان‌متنی و میان‌گفتمانی، ژانر^۹، ایدئولوژی، هژمونی^{۱۰}.

۵. روش پژوهش

این پژوهش، از رویکرد کیفی با روش تحلیل گفتمان انتقادی جهت انجام عملیات تحقیق استفاده کرده است. تحلیل گفتمان انتقادی، از جمله روش‌های تحقیق کیفی است که ریشه در پارادایم انتقادی دارد. تحلیل گفتمان انتقادی به مطالعه متن، بافت و ساختار اجتماعی و هم‌چنین به تبیین رابطه دیالکتیکی بین ساختار قدرت و بافت می‌پردازد؛ در نتیجه این روش‌شناسی توانایی‌های زیادی در جهت توصیف و تفسیر و تبیین بازتاب مسأله فساد در مطبوعات را دارد. در هر یک از مطبوعات مورد بررسی این پژوهش، گفتمان‌های خاصی حاکم هستند و هر کدام از این روزنامه‌ها از زاویه خاص خود به بررسی مسأله فساد می‌پردازند.

۵-۱. روش سه مرحله‌ای فرکلاف برای تحلیل متن

در پژوهش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف، محقق، سه مرحله را پشت سر می‌گذارد که در هر مرحله از رویکرد و پرسش‌ها و ابزارهای خاص بهره می‌برد.

مرحله توصیف متن: در این مرحله، متن براساس مشخصه‌های زبان شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت‌واژه یا صرف و معنی‌شناسی و تاحدودی کاربردشناسی، مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شود (آقازاده، ۱۳۸۶: ۱۹). پرسش اصلی فرکلاف در این مرحله، شناخت مواضع ایدئولوژیک متن است.

مرحله تفسیر: تفسیر ترکیبی از محتویات خود متن و ذهن مفسر است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). آن‌چه در این مطالعه درزمینه تفسیر متن بیشتر به آن توجه شده عبارتند از: ۱- تحلیل بینامتنی و بیناگفتمانی، ۲- بافت موقعیتی متن می‌باشد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۳). در نزد فرکلاف، گفتمان دو کاربرد متفاوت دارد؛ اول: گفتمان به‌عنوان یک اسم انتزاعی در نظر گرفته می‌شود، و دوم: گفتمان به‌عنوان یک اسم قابل‌شمارش (اسمی که می‌تواند صورت جمع داشته باشد) در نظر گرفته می‌شود (لاک، ۱۳۹۳: ۲۹). در این مطالعه، برداشت دوم از گفتمان به‌صورت اسم قابل‌شمارش و ترکیب ژانرهای مختلف برای ایجاد یک گفتمان جدید مدنظر است.

مرحله تبیین: هدف از این مرحله، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). در این پژوهش، هدف از مرحله تبیین بیشتر همان چیزی است که فرکلاف ارتباط مطالب می‌خواند. نگارندگان، آن‌چه را فرکلاف ارتباط مطالب می‌نامد، «موضع خواننده» نامیده‌اند؛ به این معنی که تا چه حد خوانندگان یک متن تمایل دارند تا با آن ارتباط برقرار کرده، آن‌را ترجیح دهند و یا به‌طورکلی عکس‌العمل خواننده به یک متن چگونه است (لاک، ۱۳۹۳: ۷۲).

جامعه آماری در این تحقیق، «مطبوعات» هستند. با توجه به این‌که مطبوعات و رسانه‌های خبری دارای انواع و ابعاد گوناگونی هستند، در این تحقیق چهار روزنامه شرق، روزنامه اعتماد، روزنامه کیهان، روزنامه وطن امروز، از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. هرکدام از روزنامه‌های انتخاب‌شده داری گفتمان متفاوتی هستند؛ به‌گونه‌ای که هرکدام از آن‌ها بادیید متفاوت فساد را بازتاب می‌دهند و سعی شده است با انتخاب این روزنامه‌ها تاحدود زیادی جریان‌های سیاسی و گفتمان‌های مختلف پوشش داده شود. در مراجعه به هر روزنامه به‌طور خاص به دهه ۹۰ نظر داشته و این بازه زمانی مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا مطالب مربوط به فساد در این بازه زمانی و در این روزنامه‌ها برجسته‌تر از قبل بوده است و از آنجا که روزنامه‌های کیهان

و وطن امروز از یک سو و شرق و اعتماد ازسوی دیگر، در عین حال که در درون‌شان تفاوت وجود دارد، نماینده تفکرات غالب بر جامعه هستند، از میان روزنامه‌ها انتخاب شدند. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و هم‌چنین نمونه‌گیری معیار، متون، گزارش‌ها، مقالاتی انتخاب شوند که دارای بیشترین اطلاعات و معیارهای محقق در موضوع مورد مطالعه هستند و تلاش خواهد شد تا تنوع نمونه نیز به خوبی رعایت و حفظ شود.

در این تحقیق برای سنجش روایی از قابلیت اعتبار یا اعتبارپذیری استفاده شده است. اعتبار پذیری به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارتند از: درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است؛ به این معنا، آن چه در یافته‌ها و نتایج تحقیق ازسوی پژوهشگر ذکر گردیده، همانی است که در متون و مطبوعات بوده است. خواندن مکرر متون روزنامه‌ها، مشاهده مستمر، بررسی زوایای مختلف، تحلیل موارد منفی، از جمله مواردی است که ازسوی پژوهشگر برای اعتبار تحقیق مدنظر گرفته شده است.

جدول ۱. بازه زمانی نمونه‌های مورد بررسی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

نمونه‌های مورد بررسی	بازه زمانی مورد بررسی
روزنامه کیهان	۱۳۹۷/۱۲/۲۹ - ۱۳۹۰/۰۱/۰۱
روزنامه وطن امروز	۱۳۹۷/۱۲/۲۹ - ۱۳۹۰/۰۱/۰۱
روزنامه اعتماد	۱۳۹۷/۱۲/۲۹ - ۱۳۹۰/۰۱/۰۱
روزنامه شرق	۱۳۹۷/۱۲/۲۹ - ۱۳۹۰/۰۱/۰۱

۶. یافته‌ها

در این بخش سعی بر آن است که براساس روش و نظریه فرکلاف به بررسی و تحلیل متون هرکدام از روزنامه‌های مورد بررسی پرداخته شود؛ بنابراین از هرکدام از روزنامه‌ها، تعدادی متن براساس نمونه نظری انتخاب کرده و به تحلیل و تفسیر آن پرداخته شده است. در این بخش نگارندگان به دنبال نحوه بازنمایی فساد در هرکدام از روزنامه‌ها بوده و از این رو به دنبال کشف و شناسایی لایه‌های پنهان در پس روزنامه در بازتاب فساد هستند و ازسوی دیگر، به دنبال شناسایی ویژگی‌ها و دیدگاه‌های مختلف درباره فساد در هرکدام از این روزنامه‌ها خواهند بود و به طور کلی در پی شناسایی این مطلب که؛ هرکدام از روزنامه‌ها از چه زاویه‌ای به بازنمایی فساد و رویدادهای پیرامون آن پرداخته‌اند.

۶-۱. تحلیل بینامتنی بیناگفتمانی روزنامه کیهان

متن اول: «این زنجیره چند حلقه دارد؟!» ۹۱/۰۴/۲۴

«می‌گویند نویسنده! می‌پرسم چرا؟! می‌گویند کام مردم تلخ می‌شود! می‌گویم؛ کام مردم را کلان سرمایه‌داران مفت‌خور و مافیای حرام‌خوار اقتصادی تلخ می‌کنند که افسار پاره کرده و به جان مردم افتاده‌اند و با بهره‌گیری از شیپورهای بیرونی و برخی رسانه‌های داخلی، همه زشتی‌ها و پلشتی‌های حاصل از فساد اقتصادی خود را به حساب نظام مظلوم و مقدس جمهوری اسلامی می‌نویسند...».

- تحلیل متن

نویسنده در عنوان متن با مطرح کردن عبارت «زنجیره چند حلقه دارد» از طریق فن بلاغی به مسأله فساد و سیستمی بودن این مسأله در میان نهادها اشاره دارد. با استفاده از دورگه‌سازی و واردکردن اصطلاحات زبان روزمره، مانند: سرمایه‌داران مفت‌خور، مافیای حرام‌خوار، شیپورهای بیرونی، و... سعی دارد سخنانش را برای اکثریت مردم قابل فهم جلوه دهد و با دورگه‌سازی مسائل مهم را در قالب عباراتی عامه‌پسند بیان می‌نماید؛ و هم‌چنین شاهد استفاده وافر از ترکیبات وصفی که درصد متاثر ساختن مخاطب است، هستیم. نویسنده در متن از جملات مجهول استفاده کرده است؛ مانند آقای «د-د» و «م-ی» که نیت نویسنده در پرده ابهام پیچیدن کنشگری و سببیت است. افزون بر صرف پیش فرض محسوب کردن عناصر از بافت بینامتنی تولیدکنندگان متون می‌توانند پیش فرض‌ها را مورد تردید و مجادله قرار دهند. یک روش مهم در این خصوص شیوه نفی است که نمونه‌های آن در متن از جمله «کام مردم را... تلخ می‌کنند، حرام‌خواری‌ها و...» مشهود است. نویسنده آشکارا از جملات منفی به صورت غیرمستقیم جهت ابراز مخالفت با جملات مثبت متناظر با اظهارات خود استفاده کرده است و این متن خود نوعی مکالمه بین نویسنده این متن و نویسندگان دیگر متون است. در اینجا به کار بردن عباراتی مانند: نظام مقدس جمهوری اسلامی، برادران رزمنده و پاک‌باخته، سعی دارد زمینه مشترکی از گزاره‌های مطرح شده بسازد و مخاطبان خود را وارد یک زمینه مشترک گفتمانی کند و از این طریق یک دیگری برای خود معرفی می‌کند؛ دیگری که بر اثر بی‌توجهی بعد از جنگ باعث گسترش فساد در کشور شده‌اند و در ادامه فساد و مافیای اقتصادی را به عوامل بیرونی، از جمله به «امریکا» و «اسرائیل» نسبت می‌دهد و عنوان می‌کند «دولت سازندگی» به خاطر اصلاحات نادرست

و بی‌توجهی مسئولان آن باعث گسترش فساد در کشور شدند؛ از سوی دیگر، با اشاره به غارت بیت‌المال توسط سرمایه‌داران در دهه ۸۰، اشاره به «دولت اصطلاحات» دارد و آن را به‌عنوان دیگری، در متن مطرح می‌کند. در زمینه بینامتنی شاهد اظهارات تأکیدی و تقابلی با دیگری‌های متن هستیم و در سطرهای مختلف شاهد هستیم که نویسنده معتقد است که فساد اقتصادی نباید به حساب نظام و مسئولان نظام نوشته شود. در این زمینه می‌توان عنوان کرد، نویسنده از دید محافظه‌کارانه به مسئله فساد و حل آن نگاه می‌کند؛ بیش از آن‌که نویسنده به دنبال مسئله فساد و راه‌حل و مشکل آن باشد بیشتر نگرانی و دغدغه او این است که فساد مبادا به حساب نظام نوشته شود و حیثیت و آبرو و امنیت نظام به خطر بیفتد.

فرضیه نویسنده در این متن دو شق است و نویسنده از طریق زمینه بینامتنی سعی دارد متن و بافت موقعیتی متن را به هم پیوند دهد و همان‌گونه که به دفعات متعدد عنوان شد، متون دارای تاریخ هستند و در طول متن با مثال آوردن از دولت‌سازندگی، نسبت‌دادن سرمایه‌داران و مافیای اقتصادی به کشورهای غربی و هم‌چنین دولت پهلوی و درنهایت نسبت‌دادن مافیای اقتصادی به مسئله ۸۸ نشان‌دهنده این امر است که نویسنده همواره سعی دارد فساد اقتصادی را به دیگری‌های متن پیوند دهد و برای ختمیت و صدق این کار و هم‌چنین اعتبار برای ادعای خویش بر حجیت تاریخ تأکید می‌کند و از سوی دیگر، ساختار بلاغی متن که از انگیزه‌های ایدئولوژیکی نویسنده برخوردار است، به‌گونه‌ای است که فساد را به عواملی چون دولت‌ها، سرمایه‌داران و کشورهای خارجی نسبت می‌دهد و سعی دارد مصون بودن نظام جمهوری اسلامی از هرگونه فساد را به ذهن مخاطب القا کند. چگونگی مطرح کردن مسئله فساد و بافت متن و مشخصات خوانندگان و مخاطبان روزنامه و هم‌چنین جهت‌گیری ایدئولوژیکی نویسنده بر روی بینامتنیت بیناگفتمانیت تأثیرگذار است. در این متن شاهد هستیم نویسنده تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی است و جهت‌گیری خاصی نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارد و به جای تأکید بیشتر بر این گفتمان علمی و موشکافی دقیق‌تر در این زمینه بیشتر متکی بر آموزه‌های اسلامی برای حل مشکل است. این نوع پاسخ‌گویی نویسنده به مسئله فساد باعث مشروعیت پیدا کردن یک گروه خاص می‌شود و در رابطه با گفتمان و ایدئولوژی موجود در متن می‌توان گفت که نوع نگاه نویسنده این مطلب را در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند که یک جریان و جناح و گروه خاص به پشتیبانی از کشورهای غربی باعث گسترش فساد در کشور شده‌اند و خود را موسوم به یک جریان انقلابی که در جبهه بوده‌اند و در مسیر خط امام و آموزه‌های اسلامی برای حفظ نظام تلاش می‌کنند، می‌دانند. آن‌چه در این متن تحت تأثیر جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی

نادیده گرفته شده است ماهیت و مسأله فساد است و بافت نهادی گفتمان در این متن رسانه و اهداف سیاسی است و از مسأله فساد به عنوان ابزاری در خدمت بافت نهادی گفتمان استفاده شده است.

متن دوم: «رونمایی فیش‌های نجومی از کاسبان واقعی تحریم!» ۹۵/۰۴/۱۴

«سونامی فیش‌های نجومی! طوفان و سونامی که بیاید، با خودش خیلی چیزها می‌آورد و البته خیلی چیزها را هم می‌برد! از حدود دو ماه قبل، جسته گریخته، اخباری از غارت بیت‌المال توسط غارتگران یقه سفید منتشر می‌شد، اما مدیران دولتی انکار می‌کردند! آن‌ها با گستاخی هر حرفی در این باره را سیاسی و خلاف واقع می‌خواندند و تهدید به پیگیری قضایی هم می‌کردند! اندکی بعد انتشار و افشای فیش‌ها بالاگرفت و دست خیلی‌ها رو شد!».

- تحلیل متن

یکی از شاخص‌های کلامی متن، استفاده از کلمات تشدیدکننده، مانند: خیلی، اندکی، انگشت‌شمار، به شدت، تلخ‌ترین... می‌باشد که این واژه‌ها و کلمات به نویسنده اقتدار می‌بخشد و نقش مهمی در تجلی بافت متن ایفا می‌کنند. در زمینه بیناگفتمانی نویسنده از استعاره «زالوهای دُلارخوار» استفاده کرده است که استعاره از مدیران دولتی که آن‌ها را منتسب به کاسبان واقعی تحریم می‌داند. نویسنده از عبارات و مثال‌های در زمینه افشاگری فسادهای رخ داده منتسب به دیگری متن استفاده کرده است و سعی دارد خود را به عنوان یک حقیقت‌گویی صریح و شجاع که در قبال کشورش مسئولیت دارد خود را نشان دهد. نویسنده با استفاده از دورگه‌سازی و واردکردن اصطلاحات روزمره سعی دارد سخنانش را برای اکثریت مردم ملموس جلوه دهد.

نویسنده با آوردن نقل قول مستقیم از رئیس دولت یازدهم در ابتدای مقاله به یک بینامتنیت مستقیم روی می‌آورد و عنوان می‌کند دولتی که برای مبارزه با کاسبان تحریم قدم برداشته بود و عاملین دولت از کاسبان رونمایی می‌کردند و ضعف و مشکلات خودشان را به کاسبان تحریم نسبت می‌دادند؛ درحالی‌که کاسبان واقعی تحریم وابسته به خودشان بوده است. نویسنده در ادامه در زمینه بینامتنی به ذکر چند مثال روی می‌آورد و عنوان می‌کند که رو شدن فیش‌های حقوقی، ماجرای «صفدر حسینی» و دخترش و ماجرای «فریدون» مشخص می‌کند کاسبان واقعی تحریم در بین همان‌هایی هست که روزی از آن حرف می‌زدند و مشکلات را گردن دیگران می‌انداختند و این مدیران کاسب در این مدت به بهانه رفع تحریم‌ها و با عوام‌فریبی قدرت را به دست

گرفتند و با متهم کردن دیگران به عنوان کاسبان تحریم، سعی می‌کردند ضعف‌ها و کوتاهی‌ها خود را در پشت برچسب کاسبان تحریم پنهان کنند.

نویسنده از ماجرای فیش‌های حقوقی تحت عنوان «سونامی فیش‌های حقوقی» یاد کرده است و اشاره دارد به کاسبان تحریم و یقه‌سفیدانی که در این مدت به غارت بیت‌المال دست زده‌اند و معتقد است که کاسبان تحریم از طریق برخورد های غایی، مثل برکناری چند نفر یا از طریق خسته کردن افکار عمومی و یا منحرف ساختن آن با گذر زمان ماجرای فیش‌های حقوقی را به فراموشی می‌سپارند. نویسنده در زمینه بینامتنی به سکوت و تعلل دولتی‌ها و مجموعه هم‌سو با آن‌ها در محافل رسانه‌ای و هم‌چنین عدم قبول مسئولیت غارت بیت‌المال و نسبت دادن آن به دولت گذشته اشاره می‌کند. نویسنده در زمینه بینامتنی مفروض می‌گیرد که مخاطبان از سیاسی قلمداد کردن ماجرای فیش‌های حقوقی آگاهی دارند و با این کار سعی می‌کند مخاطبان را در یک زمینه مشترک گفتمانی با خود همراه کنند و در ادامه توضیح می‌دهد که داشتن انگیزه سیاسی برای افشاگری تغییری در ماهیت فساد رخ داده، ایجاد نمی‌کند و نمی‌توان مشکلات و ضعف مدیریتی و ناکارآمدی خود در زمینه مقابله با فساد را این‌گونه توجیه کرد.

در طول مقاله، نویسنده از غارتگران بیت‌المال و کاسبان تحریم و نسبت آن‌ها با دولت، حرف می‌زند و در پایان هیچ توضیحی درباره وضعیت فساد نمی‌دهد و نویسنده مقاله بیشتر در نقش یک افشاگر قرار دارد و در سراسر متن ما مشاهده می‌کنیم که بیشتر با مطرح کردن و نسبت دادن فساد به دیگری متن سروکار دارد تا به عنوان یک فردی که به تحلیل فساد و دادن راه‌کار برای آن. در سراسر متن ما شاهد هستیم که نویسنده با آوردن مثال‌های از فساد جناح رقیب و نسبت دادن فساد به آن‌ها، اما هیچ‌گونه تحلیل مناسب از این وضعیت ارائه نداده است و از افشاگری و صراحت بیان در زمینه فساد به عنوان یک گفتمان رایج برای حمله به دیگری استفاده کرده است.

۶-۱-۱. ویژگی کلی متون روزنامه کیهان

سرمایه‌داران رانت‌خوار، فساد نباید به پای نظام نوشته شود، ناکارآمدی دولت یازدهم در زمینه مبارزه با فساد، تکیه بر آموزه‌های اسلامی، دینی و فرموده‌های امام و رهبری برای حل فساد، حقوق‌های نجومی و عدم شفافیت و پاسخ‌گویی در این زمینه، تعارض فساد با فرهنگ دینی، کاسبان و غارتگران بیت‌المال، از بین رفتن اعتماد عمومی و تضعیف نظام به واسطه عدم توجه به فساد، ارتباط بین دولت سازندگی و فساد، شکل‌گیری طبقه اشرافی در سازوکارهای مدیریتی، تضاد میان گفتمان دینی و انقلابی با مدیران اشرافی و رانت‌خوار.

۶-۲. تحلیل بینامتنی بیناگفتمانی روزنامه اعتماد

متن اول: «انحصار قدرت در دولت زمینه‌ساز فساد شد» ۹۰/۰۷/۲۰

«برخی شواهد حکایت از آن دارد که این پدیده از ۱۳۸۷ زمینه‌اش فراهم شد و علتش را هم می‌دانیم که انتخابات بود و در بستر سیاسی-اجتماعی که پیش‌آمد فضایی حاصل شد که امکان گسترش و تعمیق چنین فساد به دست آید و در فضای سیاسی‌ای که ایجاد شد زمینه شکل‌گیری چنین حادثه‌ای پدیدار شد...».

- تحلیل متن

نویسنده با مطرح کردن شرایط انحصاری بعد از سال ۸۸ و انحصار قدرت، انحصار در حوزه مدیریت نفتی، عدم نظارت در این سال‌ها، عدم پاسخ‌گویی در این سال‌ها را زمینه‌ساز فساد ساختاری می‌داند. نویسنده از شرایطی حرف می‌زند که در کل دوران انقلاب اسلامی نادر بوده و به گونه‌ای نویسنده حجم فساد اتفاق افتاده در این دوران را بی‌سابقه می‌داند و این وضعیت را به گونه‌ای بازنمایی می‌کند تا مخاطبان را با خود همراه کند. نویسنده سعی دارد با مطرح کردن جملاتی چون: حذف مدیران نخبه از مدیریت، انتصاب افراد به قربان‌گو، تغییر و تحولات در بانک‌ها و پست‌های مدیریتی، یکی شدن مجلس و قوه مجریه، به مخاطب بفهماند که مجموعه‌ای از این عوامل باعث شکل‌گیری انحصار قدرت در تمام زمینه‌ها شده که این شرایط بستر شکل‌گیری فساد گسترده را فراهم کرده است. نویسنده در بخشی از متن سیاست‌های انحصاری نفتی کشور را نقد می‌کند و معتقد است که رانت و فساد گسترده در کشور ناشی از مدیریت انحصاری نفت است و اعتقاد دارد این نوع مدیریت شکل‌گیری یک نوع تورم ساختاری در اقتصاد کشور را به همراه دارد؛ و ایران را از سایر کشورها که درگیر فساد هستند، مجزا می‌کند؛ زیرا معتقد است اقتصاد متکی به نفت و مدیریت انحصاری در کشور ایران باعث شکل‌گیری رانت و فساد است.

متن دوم: «اگر تفنگ و قدرت و پول و سایت یکجا جمع شوند، فساد ایجاد می‌شود»

۹۳/۰۹/۱۸

«رئیس‌جمهوری با تأکید بر این که فساد مانند موربانه‌ای است که پایه‌ها را تباه و فاسد می‌کند، اظهار داشت: باید هم‌زمان که با تورم، رکود و بیکاری مبارزه می‌کنیم با فساد هم مبارزه کنیم. روحانی با اظهار تأسف از وجود فساد در جامعه و

این‌که این فساد یک روزه از بین نمی‌رود، گفت: باید همگی همه توان خود را به‌کار بگیریم و گام‌به‌گام فساد را کم کنیم به‌گونه‌ای که این اقدامات ما برای مردم ملموس باشد...».

- تحلیل متن

گوینده با استفاده تمثیل «موریانه» سعی در گسترده بودن فساد و ملموس‌تر کردن این موضوع برای مردم دارد. در ادامه شاهد هستیم، گوینده سعی دارد با استفاده از واژگان عامیانه هم‌چون: «زیر بار نمی‌رود، والا، وزارتخانه درست کردیم، زیرمیزی بشود روی میزی، نوکر» و مواردی از این قبیل، ضمن این‌که سعی دارد گفتمان و حرف‌های خود را ملموس‌تر جلوه بدهد و مردم را با خود همراه کند ما شاهد یک نوع دورگه‌سازی و ترکیب دو گفتمان روزمره و تخصصی با یکدیگر هستیم. گوینده با گفتن جملات -اگر قبح فساد شکسته شود، باید به خدا پناه برد- به نوعی سعی دارد با گفتن کلمات مذهبی احساسات مردم را برانگیزد و آن‌ها را با خود همراه کند و هم‌چنین دست‌اندازی به بیت‌المال را ضربه‌ای به نهی از منکر و انقلاب می‌داند که با گفتن این جمله به نوعی عقب‌نشینی در مقابل فساد را محکوم می‌کند و سعی دارد با مطرح کردن خود به عنوان یک فرد انقلابی و مذهبی به گفته‌های خود مشروعیت ببخشد و از سوی دیگر، مردم را در راه مبارزه با فساد با خود همراه کند.

گوینده فساد را یکی از مشکلات هم‌ردیف تورم، رکود و بیکاری در کشور معرفی می‌کند که برای حل آن‌ها باید همه مردم دست‌به‌دست هم بدهند و آن را حل کنند. گوینده با مطرح کردن این جمله «اگر شما اطلاعات، تفنگ، پول و سرمایه، سایت و روزنامه، خبرگزاری را همه را در یک‌نهاد جمع کردید، ابوذر و سلمان هم باشد، فاسد می‌شود» از یک، دیگری حرف می‌زند؛ اگر به این عبارت مورد اشاره به صورت مجزا نگاه کنیم، این برداشت را می‌توان داشت که در ذهن جناب آقای رئیس‌جمهور، موقعیتی خطرزا و مفروض وجود دارد و آن عبارت است از «خطر تجمیع قدرت‌های نظامی، امنیتی، مالی و رسانه‌ای در یک نهاد». گوینده در ادامه با مطرح کردن این جمله «تمامی این‌ها به این خاطر است که هر قدرتی که رویش نظارت نباشد مشکل پیش می‌آید؛ نظارت بر هر موردی و هر جنبه‌ای را باید درست کنیم تا فساد ایجاد نشود». گوینده راه جلوگیری از فساد را عوامل گوناگون هم‌چون: همکاری قوه سه‌گانه با هم، مردم، رسانه، احزاب، نهادهای مردمی و هم‌چنین مقررات صحیح و شفافیت می‌دانند و عدم این‌ها را ضربه نظام و انقلاب اسلامی می‌داند. گوینده با مطرح کردن این مسائل به نوعی یک دیگری برای خود ترسیم می‌کند که آن دیگری دولت نهم و دهم است که در آن رسانه‌ها و

احزاب از آزادی برخوردار نبودند در و بدون رسانه و بدون مبارزه عمومی و بدون جامعه مدنی و حضور مردم نمی‌توان به هدف نهایی رسید.

۶-۲-۱. ویژگی کلی متون روزنامه اعتماد

گسترش رانت و فساد نفتی به خاطر انحصار در زمینه‌هایی چون قدرت و مدیریت منابع نفتی بعد از سال ۸۸، نبود نهادهای نظارتی، نهادهای مردم‌نهاد و آزادی مشروط احزاب و رسانه‌ها در مقابله با افشاگری فساد، عدم شفافیت و فساد گسترده در این شرایط، نفی آزادسازی اقتصادی در شرایط وجود فرهنگ خویشاوند سالاری و رابطه‌گرایی حاکم در نهادها و سازمان‌های کشور، تأکید بر شفافیت به عنوان یک امر مهم برای جلوگیری از فسادهای پنهان، فساد به واسطه انحصار قدرت، پول و رسانه در دست گروه خاص، فساد در گفتمان عدالت محور و شعاری دولت نهم و دهم، فساد ناشی از زدوبندهای سیاسی در ساختار مدیریتی کشور و یک دست شدن قدرت، رانت ناشی از رابطه‌گرایی با نهادینه شدن فضای رانتی در سازمان‌ها، نبود پلورالیسم سیاسی و گسترش فساد، شایسته‌سالاری در جهت قانون‌مند شدن انتصاب‌ها برای جلوگیری از فساد، برخورد با افراد پایین‌مرتبه در مقابل سران بلندمرتبه در فسادها و اختلاس‌های کلان، برخورد با فساد بدون توجه به جنجال‌های سیاسی و جناحی.

۶-۳. تحلیل بینامتنی بیناگفتمانی روزنامه وطن

متن اول: «نظام اسلامی در مواجهه با فساد عزم جدی دارد» ۹۰/۰۳/۰۱

«همه بر این حقیقت واقف‌اند که نظام اسلامی براساس هویت دینی خویش در ستیز با هرگونه فساد خرد و کلان بوده و نظامی که هدایت آن به دست کسی قرار دارد که بازرترین ویژگی‌اش عدالت است، بی‌شک عزمی جدی در مبارزه با فساد دارد. وی ریشه فساد در جهان را در آمریکا و مزدورانش خواند و تأکید کرد...».

- تحلیل متن

اشاره به یک گفتمان دینی برای مبارزه با فساد و مطرح کردن دیگری‌های خارجی به عنوان عاملان اصلی فساد جان‌مایه متن را تشکیل می‌دهد. در ابتدای متن نویسنده با مطرح کردن این جمله که «همه بر این حقیقت واقف‌اند» در زمینه بیناگفتمانی سعی دارد به گفته خود مشروعیت بیشتری ببخشد و به عبارتی گفتمان خود را به عنوان گفتمان همه معرفی کند و مخاطبان را با خود همراه کند. گوینده در همان ابتدای

متن با اشاره به عبارت «نظامی که هدایت آن...؛ که ویژگی‌اش عدالت است» در زمینه بینامتنی اشاره به این موضوع دارد که در نظامی که پایه آن براساس عدالت حکومت علی علیه السلام شکل گرفته بدون شک فساد جایگاهی ندارد و در زمینه بافت متن با مطرح کردن گفتمان دینی مبتنی بر عدالت برای مبارزه با فساد به این موضوع اشاره دارد که یکی از ویژگی‌های حضرت علی علیه السلام عدالت محوری و مبارزه با ظلم و فساد بود و با توجه به فسادی که وجود دارد این فساد با نظام و حکومت سازگاری ندارد و ضروری است تا نظام جمهوری اسلامی در مبارزه با فساد و اجرای عدالت قوی عمل کند. دیگری، متن یک دیگری خارجی است و گوینده به عبارت بندی مخالفت جویانه آمریکا و کشورهای غربی را به عنوان دیگری متن به عنوان عاملان اصلی فساد معرفی می‌کنند. راه مبارزه با فساد را همکاری سه قوه با یکدیگر می‌داند. همکاری همه دستگاه‌ها با یکدیگر در چند سال اخیر روند مناسبی رو طی نکرده است و در این زمینه می‌توان به اختلافات قوه قضاییه و قوه مجریه در فساد ۳ هزار میلیاردی، مجلس و قوه مجریه در ماجرای زمین‌خواری‌ها و هم‌چنین اجرای فیش‌های حقوقی اشاره کرد.

متن دوم: «عدم رسیدگی به «کرسنت» و «استات‌اوایل» عامل انباشت فساد»

۹۳/۹/۱۹

«بدین معنا که وقتی ملت ایران انقلاب کردند، خواهان چه بودند و با چه مبارزه کردند؟ مردم نظام شاهنشاهی را نظامی فاسد و آلوده می‌دانستند که به حریم عمومی و حریم مردم تجاوز می‌کند، اموال عمومی را غارت می‌کند و سر تا پایش با فساد و انحرافات فکری، مالی، اقتصادی و هم‌چنین فساد اخلاقی عجین است. البته آن‌چه غلبه داشت، فساد فکری و مشخصاً فساد اقتصادی بود که ما در این بحث، بیشتر به این بخش می‌پردازیم؛ یعنی بحث فساد اقتصادی...».

- تحلیل متن

نویسنده در ابتدای متن با مطرح کردن یک پرسش، سعی دارد مخاطب را وارد یک زمینه بینامتنی کند که این زمینه با استفاده از عبارت بندی‌های مخالفت جویانه از جمله: «نظام فاسد و آلوده، فساد اخلاقی، فساد اقتصادی، نظام طاغوت و...» حکومت پهلوی را به عنوان یکی از دیگری‌های متن معرفی می‌کند. نویسنده با توسل به حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و استفاده از عبارات مسلمانان، شیعیان، اهل بیت به نوعی در زمینه بیناگفتمانی سعی دارد گفته‌هایش مشروعیت و اعتبار بیشتری در میان مخاطبان

داشته باشد. همراه با تأکید بر فرهنگ عدالت‌خواهی در میان شیعیان و اشاره به نظام طاغوت (در زمینه بافت متن اشاره دارد، تضاد میان باورهای دینی و انقلابی مردم با وضعیت حکومت پهلوی) که به صورت تجربی دارای بار معنایی ایدئولوژیک است، سعی در بازنمایی گفتمان دینی و انقلاب اسلامی برای مبارزه با فساد دارد. استفاده از عبارات همراه با افعال کمکی وجهی، مانند «سرتاپایش با فساد... عجین است، نظام فاسدی است، نظام فاسدی بود» در مقابل دو فعل داشتند و بودند برای توصیف دیگری، نشان‌دهنده یک شبکه قدرت ضمنی در بیان نویسنده و هم‌چنین علائق ایدئولوژیک یک نویسنده در متن است که به مبارزات ایدئولوژیک بین وجود فساد در دولت پهلوی و عدم وجود فساد در گفتمان عدالت‌محور علی علیه السلام دامن می‌زند.

شناسایی روابط معنایی در متون و انواع گفتمان‌های زیرساختی و مشخص کردن شالوده‌های ایدئولوژیک نشان‌دهنده ارزش‌های تجربی در یک متن است. عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی در بطن انقلاب اسلامی قرار دارد که نشان‌دهنده رابطه معنایی در ارزش‌های تجربی متن است. بعضی از عبارات و واژگان فی‌نفسه متعلق به چارچوب ایدئولوژیکی خاصی هستند. نویسنده با مطرح کردن عباراتی چون: انقلاب اسلامی، ماهیت اسلامی، تبیین علما و عدم مخالف با روحانیت، مبارزه با استکبار جهانی و... بار دیگر جهت‌گیری ایدئولوژیکی خود را مشخص می‌کند؛ که هم‌سو نبودن با این چارچوب ایدئولوژیکی منجر به عدم اجرایی عدالت و فساد می‌شود؛ که این موضوع در زمینه بافت متن به موضع‌گیری جناح‌های سیاسی اشاره دارد که معتقدند برای خروج از بحران باید با کشورهای غربی تعامل و رابطه برقرار کنیم. در زمینه بافت بینامتنی، همان‌طور که بارها بیان کردیم که متون، خود دارای تاریخ هستند و تفسیر بافت بینامتنی به این امر بستگی دارد که متن را متعلق به کدام جریان بدانیم؛ که در این زمینه، مخالفان روحانیون و افرادی که درصدد رابطه با کشورهای غربی هستند از مسیر گفتمان عدالت‌محور انقلاب اسلامی فاصله گرفته‌اند و نمی‌توانند در زمینه مبارزه با فساد ایفای نقش کنند.

دولت‌محور بودن، اقتصاد لیبرال، توسعه سیاسی سه رویکرد و گفتمان مختلف در زمینه حل فساد را با استفاده از عبارت‌بندی‌های مخالفت‌جویانه تحت‌عنوان دیگری متن معرفی می‌کند و معتقد است که به دلیل فاصله گرفتن از مبانی گفتمان انقلابی و عدالت‌خواهی، طرفداران این دیدگاه‌ها نمی‌توانند گام مثبتی در زمینه حل مسأله فساد بردارند و این سه گفتمان را به نوعی به عنوان دیگری‌های ایدئولوژیک متن در مقابل گفتمان عدالت‌محور انقلاب اسلامی معرفی می‌کند. دولت‌محور بودن در زمینه بافت متن به اقتصاد ایران پس از انقلاب و ادامه پیدا کردن این روند در زمان جنگ

اشاره دارد و عده‌ای معتقدند اولین دولت بعد از انقلاب و هم‌چنین دولت زمان جنگ با کمترین فساد در کشور روبه‌رو بوده‌ایم. تمرکز قدرت در دست دولت و عدم دخالت دولت در امور اقتصادی و افزایش فساد موضوعی است که از دهه ۸۰ به بعد در میان تحلیل‌گران اقتصادی در زمینه حل فساد مطرح شده است. گفتمان‌های اقتصاد لیبرال و توسعه سیاسی برای حل فساد به ترتیب به دولت‌های سازندگی و اصلاحات مربوط است و نویسنده به صورت غیرمستقیم در بینامتنیت به این موضوع اشاره می‌کند که طرفداران این دو دیدگاه به خاطر عدم توجه به انقلاب اسلامی و عدالت خواهی، به رانت خواهی، تبعیض و زندگی اشرافی‌گری روی آورده‌اند. ساختار بلاغی متن قصد دارد تا دلیل فساد در کشور را در قالب عامل‌های چندگانه بیان کند که در بخش انسجام متن، گفتمان عدالت محور علیت‌های دیگر در زمینه حل فساد را سرکوب می‌کند. نویسنده درگیر مبارزات ایدئولوژیک در زمینه دیدگاه‌ها و جریان‌های مختلف پیرامون فساد بعد از انقلاب قرار می‌گیرد و با توجه به بافت موقعیتی متن موضع نویسنده در زمینه گفتمان عدالت محور به دولت نهم و دهم برمی‌گردد. در زمینه بافت موقعیتی متن نویسنده به تحلیل وضعیت فساد در میان جریان‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف در کشور می‌پردازد و نهادهای چون سیاست، فرهنگ دینی و اقتصاد وضعیت نهادی متن را تشکیل می‌دهند و نویسنده در وهله اول به عنوان یک تحلیل‌گر رسانه‌ای به مسأله فساد می‌پردازد و در سوی دیگر به عنوان یک فرد ایدئولوژیک و نماینده گفتمان عدالت محور انقلاب اسلامی ظاهر می‌شود و نویسنده در زمینه بافت موقعیتی با سرکوب انتقاد گفتمان‌ها دیگر در زمینه حل فساد، به بافت نهادی گفتمان به عنوان یک گفتمان دینی انقلابی و دینی نگاه می‌کند که برای حل فساد می‌توان مدیریت، سیستم و راه حل مناسب را به کار برد. تعبیر متنی به معنای موضع خواننده، بازگوکننده عکس‌العمل خواننده به یک متن است. چیزی که فرکلاف ارتباط مطالب می‌خواند. در این زمینه می‌توان عنوان کرد که از نظر مشارکین و خوانندگان پرونده‌های قراردادهای نفتی «کرسنت» و «استات اویل» در مقابل حجم فسادهای اتفاق افتاده در کشور قابل مقایسه نیست. عدم توجه به سایر فسادها و دست گذاشتن بر روی این دو مورد نشان از جهت‌گیری سیاسی نویسنده در حل مسأله فساد است.

یکی از تناقض‌های که متن با آن مواجه هستیم گفتمان عدالت محور انقلابی است به عنوان راه مبارزه با فساد معرفی می‌شود؛ و از سوی دیگر، دولت محور بودن را یکی از رویکردهای می‌داند که منجر به شیوع فساد می‌شود. در حالی که این عدالت از طریق یک دولتی که در مرکز امور قرار گرفته باشد عملی می‌شود. در نهایت نویسنده در طول متن همواره به معرفی دیگری‌های (چه داخلی، چه خارجی، چه ایدئولوژیک و چه

سیاسی و اقتصادی) در تقابل گفتمان عدالت محور انقلابی در زمینه حل فساد پرداخته که همگی به نوعی بازگوکننده مبارزات ایدئولوژیکی می باشند.

۷-۳-۱. ویژگی های کلی متون روزنامه وطن

ارتباط دیگری های خارجی و کشورهای غربی با فساد، تعارض فساد با حکومت عدالت محور حضرت علی علیه السلام، توجه به اصول اسلامی و انقلابی و هم چنین فرموده های امام و رهبری برای حل فساد، فساد گسترده در دولت پهلوی، توجه به عدالت خواهی، ظلم ستیزی و استکبارستیزی برای مقابله با مفسدان و کاهش فساد، ضدیت با اقتصاد لیبرال و توسعه سیاسی به عنوان عوامل تشدید کنند فساد در کشور، عدم ارتباط فساد با نظام جمهوری اسلامی، فساد آفازاده ها و طبقه اشراف، فساد ناشی از سیاست های اقتصاد آزاد دولت سازندگی، زندگی اشرافی و بی توجهی به فساد، اشرافیت حکومتی و فساد طبقاتی، نفوذ مفسدان و طبقه اشراف در سازوکارهای مدیریتی و تداوم ساختار رانتی، شعارگرایی و عدم شفافیت در مبارزه با فساد، مبارزه با فساد در جهت حفظ اعتماد عمومی و جلوگیری از ضربه زدن دشمنان به نظام، فساد در دولت میلیاردرها و دولت محرمانه، فساد یقه سفیدان و دانه درشت ها، فساد در میان مدیران نجومی و برخورد سیاسی و ملاحظات خویشاوندی برای حل آن، نهادینه شدن حاکمیت قانون برای مبارزه با فساد. فساد در میان دولت پهلوی و هم چنین عدم توجه به ظلم ستیزی و استکبارستیزی در میان مدیران را یکی از سوژه هایی می باشد که درباره گسترش فساد در کشور به بازنمایی آن می پردازد.

۷-۴. تحلیل بینامتنی بیناگفتمانی روزنامه شرق:

متن اول: «نقش دولت ها در فسادهای مالی» ۹۳/۱۱/۰۵

«در عرصه رقابت پذیری انتشار اطلاعات شفاف از عوامل مهم به شمار می رود و زمانی که دستیابی به اطلاعات شفاف برای همه میسر شد، سلامت کار بالا می رود. به همین دلیل شاخص سلامتی ای که کشورها ارایه می کنند از نشانه های خوب اقتصاد آنان است، اما در اقتصادهای نفتی متأسفانه این شفافیت یا دیده نمی شود یا آمارها مبنای واقعی ندارد...».

- تحلیل متن

برخی از کلمات در متن دارای ارزش های تجربی هستند و نویسنده تفاوت های

ایدئولوژیک در بازنمایی‌های مختلف از فساد را در واژگان و جملات رمزگذاری کرده است. رقابت‌پذیری، عدم دخالت دولت در اقتصاد و خصوصی‌سازی عباراتی است که نویسنده برای حمایت از دیدگاه نئولیبرال و اقتصاد سرمایه‌داری از آن استفاده کرده است. در متن ما شاهد ارزیابی مثبت در برخی از واژگان برای توصیف و مقابله با فساد هستیم. تفاوت میان انواع گفتمان‌ها به لحاظ ارزش‌های بیانی کلمات به لحاظ ایدئولوژیک معنادار است. سیاست‌های چون: عدم دخالت دولت در اقتصاد، کوچک‌سازی دولت، رقابت‌پذیری و... در طرح طبقه‌بندی مرتبط به سیاست‌های نئولیبرال می‌باشد. در زمینه بافت بینامتنی نویسنده باید تجربه بینامتنی مخاطب خود را برآورد کند؛ و از این رو شاید به همه مخاطبان در جایگاه فاعلی توجه لازم را نکرده است و به همین خاطر احتمال برخورد میان ارزش‌های بیانی وجود دارد و برخی از خوانندگان نسبت خصوصی‌سازی، عدم دخالت و رقابت‌پذیری ارزیابی مثبتی ندارند و این به لحاظ ایدئولوژیک معنادار است.

نویسنده در همان ابتدای مقاله به ساختار رانتهی کشور و عدم شفافیت در این ساختار اشاره می‌کند و در زمینه بافت متن به صورت مستقیم به این موضوع اشاره دارد که کشورهای متکی به درآمدهای رانتهی به جهت درآمدهای بدون زحمت شاهد عدم پاسخ‌گویی و شفافیت کمتر و به تبع آن فساد فزاینده و اختلاس و افزایش رانت را به همراه دارد. ارزش عطف توجه متناوب به متن و نوع گفتمان در مورد روابط معنایی بین کلمات و نیز مصداق دارد (فرکلاف، ۱۳۹۳: ۱۷۶). نویسنده بارها با اشاره به دولتی بودن اقتصاد و ارتباط آن با رانت و فساد صحبت کرده است و در این زمینه برای اعتبار دادن به گفته‌های خود به کشورهای دیگر و تجربه آن‌ها در زمینه خصوصی‌سازی و عدم دخالت دولت و پایین بودن فساد در آن کشورها اشاره دارد؛ بنابراین دولتی بودن اقتصاد به عنوان یک دیگری در متن ظاهر می‌شود و در واقع این امر را می‌توان در قالب عبارت‌بندی دیگرسان که فرکلاف از آن حرف می‌زند در نظر گرفت و نویسنده متن از طریق عبارت‌بندی‌های که انجام می‌دهد باعث می‌شود عبارت‌بندی او در زمینه حل فساد به طور حساب‌شده جای عبارت‌بندی دیگری که در تقابل با آن قرار دارد را بگیرد.

استفاده از عبارات و ترکیب‌بندی‌های در طول متن نشان‌گر گفتمان اقتصادی نئولیبرال در مقابله با فساد است. آشکار است که کشور نیاز به رقابت‌پذیری، بازار آزاد، مقابله با رانت و شفافیت بیشتر و فساد کمتر نیاز دارد، ولی آن‌چه این گفتمان نادیده گرفته، آن است که وضعیت کنونی یک زمین هموار نیست و مفاهمی چون رابطه‌گرایی، عدم استقلال دولت و فروماندگی دولت در مقابل حاکمیت مسائلی هست

که در این نوع دیدگاه به آن توجهی نمی‌شود. نویسنده شکل‌گیری فساد را نه اخلاقی می‌داند و نه آموزشی و نه به وسیله تغییرات اجتماعی هم ایجاد می‌شود، بلکه فساد را بیشتر ساختاری و نظام‌مند می‌داند و معتقد است از طریق تغییرات ساختاری مانند عدم مداخله دولت و هم‌چنین تغییر سیاست‌های اقتصادی می‌توان فساد را حل کرد. نویسنده در نقش یک فاعل افشاگر که سعی در افشای فساد و عاملین آن را دارد، ظاهر نشده؛ بلکه با دادن راه‌کار و تدابیر ویژه در نقش حامی حل فساد ظاهر شده و با دادن راه‌کار، سعی دارد دیدگاه سودمندی پیرامون فساد ارائه دهد. نویسنده برای تأیید فرضیه و گفته خود از شواهد و مثال‌های استفاده می‌کند و با مطرح کردن عبارت «کشورهایی که اتکای آنان بر بخش خصوصی، کوچک‌سازی دولت و شفافیت متمرکز شده است و...» در زمینه بافت موقعیتی متن نویسنده توجهی به وضعیت فرهنگی و نهادی کشور در زمینه مقابله با فساد نکرده است. در جوامع ما انتصاب‌های خویشاوندسالاری و رابطه‌گرایی به امری عادی تبدیل شده است و از سوی دیگر، در فرآیند خصوصی‌سازی تصمیم‌گیرندگان اصلی سیاست‌مداران هستند و این افراد از منافع کسانی حمایت می‌کنند که برای آن‌ها بیشترین سهم در روی کار آمدن و باقی‌ماندنشان داشته است و خصوصی‌سازی در چنین فضای فرهنگی و نهادی باعث گسترش فساد و رانت بیشتر می‌شود و از سوی دیگر، در کشور ما بسترهای نهادی پشتیبانی‌کننده از بازار وجود نداشته یا ضعف هستند، اجازه عملکرد آزادانه به نیروهای بازار، نیروی محرکه گسترش و تعمیق فساد شده و ناکارآمدی‌ها و نابرابری‌ها را افزایش داده است.

در ادامه، نحوه برخورد و ناکارآمد بودن قوه قضاییه به عنوان دلیل دیگر شکل‌گیری فساد در کشور مطرح شده است. با زدن مثال از کشورهای جهان سوم و جوامع مدرن در زمینه نحوه برخورد با فساد به بافت متن توجه دارد و بیان می‌کند در کشور ما به دلیل بافت فرهنگی که وجود دارد با یک عذرخواهی به حل مسأله می‌پردازند. نویسنده به مطرح کردن عبارت «عذرخواهی» در زمینه حل فساد به تجربه بینامتنی توجه می‌کنند و سعی می‌کند یک زمینه مشترک میان خود و خوانندگان مفروض بگیرد و نویسنده مفروض می‌گیرد که خواننده متن، قبلاً باید با این متن آشنا شده باشد. در این متن ما با یک دوگانگی میان وضعیت فرهنگی حاکم بر جامعه و نحوه برخورد قوه قضاییه در مقابله با فساد روبه‌رو هستیم. نویسنده در نقش یک تحلیل‌گر وضعیت فساد در بافت نهادی گفتمان پرداخته است و روزنامه و متن بیشتر ابزاری برای تحلیل وضعیت فساد در این بافت است. فرآیند نهادی که این گفتمان به آن تعلق دارد، منازعه میان طرفداران دولت در اقتصاد و عدم دخالت دولت در اقتصاد است که نویسنده سعی در بازتاب آن دارد.

متن دوم: «برخورد با فساد، سیاسی است» ۹۵/۰۱/۱۰

«یکی از ساده‌ترین ارزیابی‌ها از تأثیر فساد در فعالیت اقتصادی آن است که فساد مثل مالیات عمل می‌کند، یعنی جایی که فعال اقتصادی ناگزیر می‌شود رشوه بدهد عملاً هزینه‌های فعالیتش بالا می‌رود. ساده‌ترین شکل فساد و تأثیرش بر فعالیت اقتصادی این است که فساد و رشوه را مانند مالیات در نظر بگیریم... وقتی فساد وارد اقتصاد می‌شود به بخش‌های مختلف جامعه رسوخ کرده و گسترده می‌شود...».

- تحلیل متن

نویسنده در ابتدای متن با مطرح کردن عبارت «فساد مثل مالیات عمل می‌کند» در زمینه بیناگفتمانی به ساختار رانتی موجود در کشور و عمومیت و مشروعیت یافتن رشوه و رانت در میان مسئولان اشاره دارد؛ نویسنده در زمینه بیناگفتمانی اشاره می‌کند به این‌که سرمایه‌داران و افراد و شرکت‌ها برای انجام فعالیت‌هایشان موظف به پرداخت عوارض به دولت هستند، ولی با پرداخت میزانی از این مبالغ به عنوان رشوه به متصدیان و مسئولان باعث شکل‌گیری یکی از اشکال فساد تحت عنوان -فساد به منظور کاهش هزینه شده‌اند- و نویسنده به فضای رانتی و فسادآمیز میان سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان داخلی اشاره دارد و از این وضعیت به دلیل فضای رانتی موجود و خارج شدن سرمایه‌داران و سرمایه از کشور انتقاد کرده است. در ادامه، نویسنده در زمینه بافت متن به نوعی به بالا بودن هزینه‌ها، فضای رانتی موجود، عدم اطمینان، ضعف نهادها و ایجاد محدودیت برای سرمایه‌گذاران اشاره دارد و سعی دارد اثر منفی فساد بر سرمایه‌گذاری داخلی را به ذهن مخاطب القا کند.

متن در زمینه بیناگفتمانی با استفاده از تمثیل وضعیت دوبله پارک کردن وضعیت رانندگان سعی دارد هنجاری شدن و عمومیت یافتن مسأله فساد در میان مردم را از طریق زبان غیررسمی برای بیان ارتباطی نزدیک‌تر به مخاطب خود انتقال دهد و سعی دارد با مطرح کردن عباراتی چون: «فساد»، «فساد می‌زاید» و «فساد، مولد فساد است» به موضوع عمومیت یافتن فساد و گسترش آن در جامعه را به ذهن مخاطب القا کند. در ادامه، نویسنده به تفسیر وضعیت با اشاره به تغییرات ساختاری در نظام اقتصادی و سیستمی شدن وضعیت فساد می‌پردازد و در پاسخ به این وضعیت معتقد است که برخورد با فساد سیاسی است.

نویسنده سیاست‌های دولت نهم و دهم در زمینه اقتصاد پولی را مورد انتقاد قرار

می‌دهد. در این قسمت از متن نویسنده از عبارت بندی مخالفت جویانه یا عبارت بندی دیگرسان استفاده کرده است و دولت نهم و دهم را به عنوان یک دیگری در متن که باعث حاکم شدن اقتصاد پولی در کشور و هم‌چنین تبعاتی چون: افزایش نابرابری، افزایش رانت و فساد و عدم اشتغال معرفی می‌کند، از این طریق خواننده را وارد یک زمینه بینامتنی می‌کند.

نویسنده با مطرح کردن عبارات شبکه‌ای از افراد مطیع، به دنبال منافع شخصی خود بودن، مزاحم نبودن منافع دیگران نبودن یک زنجیره از روابط بینامتنی مطرح می‌کند که به وسیله آن یک فرهنگ نانوشته در تار و پود نظام اداری و بخش عمومی حاکم شده است؛ در این وضعیت افراد رانت‌جو ارتقا می‌گیرند و افراد صدیق و کسانی که با رانت جویی و پول‌شویی و پارتی‌بازی در سازمان‌ها مخالف هستند با برچسب‌های سیاسی و اخلاقی از مناسبات کنار گذاشته می‌شوند و این‌گونه رفتارها باعث نهادینه شدن فساد در تمام لایه‌های جامعه شده است.

در زمینه بافت موقعیتی متن کنشی که با آن مواجه هستیم یک متن تحلیلی که در روزنامه شرق منتشر شده است. این کنش، یک وضعیت نهادی چندگانه از جمله: نهاد اقتصادی، دولت، رسانه، فساد و آسیب‌های اجتماعی را شامل می‌شود و افراد درگیر این ماجرا، شامل: نویسندگان به عنوان تحلیلگر اقتصادی، مخاطبان و مردم و هم‌چنین افراد درگیر متن مسئولان و سرمایه‌گذاران رانت‌خوار و دلالان و واسطه‌گیران هستند و در نزد نویسنده بافت نهادی گفتمان وضعیت اقتصادی در کشور و حل آسیب‌های هم‌چون فساد می‌باشد و از مطبوعات به عنوان ابزار، برای مطرح کردن دیدگاه خود استفاده کرده است.

آن‌چه در این پژوهش در حاشیه قرار گرفته است و کمتر به آن توجه شده است، فقر و بیکاری ساختاری ناشی از سیاست‌های اقتصادی و ساختار رانتی کشور و هم‌چنین تبدیل شدن بازار ایران به بازار سرمایه‌گذاری کشورهای همسایه و گسترش قاچاق به وسیله دلال‌های داخلی و خارجی می‌باشد.

۶-۴-۱. ویژگی کلی و کلیدواژه‌های متن روزنامه شرق

خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری و عدم دخالت دولت در اقتصاد، نهادینه شدن رانت در کشور به خاطر تکیه بر اقتصاد نفتی، عدم شفافیت، پاسخ‌گویی و عدم وجود مطبوعات آزاد در «دولت احمدی‌نژاد» و بروز فسادها و اختلاس‌های میلیاردی، شکل‌گیری فضای رانتی میان مسئولان و سرمایه‌گذاران، افزایش قاچاق و دلال‌ها به خاطر نبود شفافیت و سازوکارهای نظارتی، تبعیض در توزیع درآمدها، افزایش فساد و شکل‌گیری ساختار رانتی

به دلیل نبود نظام مالیاتی در برابر عایدات نفتی و عدم پاسخ‌گویی دولت، بالا بودن هزینه تجارت و رشد اقتصاد پنهان، فساد در دولت‌های بسته و فروپاشی این دولت‌ها در نتیجه فساد، سیستم بانکداری رانتی با اشاره به حجم فسادهای بانکی و معوقات بانکی در دهه اخیر، شکل‌گیری فساد از نوع زمین‌خواری.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

فساد پدیده نوینی نیست و می‌توان به جرأت گفت نمی‌توان دوره‌ای از تاریخ را پیدا کرد که فاقد فساد بوده باشد و قدمتی به اندازه تاریخ سازمان‌ها و نهادها دارد و از این رو باید گفت فساد پدیده همه‌گیر و جهانی است؛ هم‌چنان‌که اشاره شد، فساد به معنای سوءاستفاده از قدرت عمومی برای نفع شخصی و یا گروه خاصی به گونه‌ای که موجب نقض قانون شود، تعریف می‌شود. این پژوهش، به دنبال بررسی نحوه بازنمایی فساد در مطبوعات در دهه ۹۰ بوده است. در این پژوهش نگارندگان از روش‌های تحلیل بینامتنی و بیناگفتمانی فرکلاف استفاده کرده‌اند.

از طریق روش و تحلیل متنی فرکلاف به توصیف و تفسیر متون پرداخته شد و به دنبال جواب‌دادن به پرسش‌هایی چون: ارزیابی ارتباط بین ساختار قدرت و بافت اجتماعی چگونگی ارتباط آن‌ها با وضعیت فساد در کشور و در ارتباط با فساد، رابطه ایدئولوژی و زبان در متون مطبوعاتی چگونه تجلی می‌یابد، بوده است؛ از این رو، در ارتباط با بافت و ساختار قدرت در کشور هرکدام از روزنامه‌های مورد بررسی، دیدگاه‌های مختلفی را درباره مسأله فساد مطرح کرده‌اند که در ادامه به توضیح و تفسیر هرکدام از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

روزنامه شرق وضعیت ساختاری رانت به وجود آمده در کشور را به نبود نظام مالیاتی در برابر عایدات نفتی هنگفت ارتباط می‌دهد و همواره به ساختار رانتی و فساد به خاطر ضعف در مدیریت منابع نفتی و عدم نظارت بر روی این منابع اشاره دارد. از بین رفتن نظام برنامه‌ریزی کشور در دولت نهم و دهم و هم‌چنین شکل‌گیری یک نوع ساختار رانتی غیرشفاف در این بازه زمانی را عامل فسادهای نفتی هنگفت معرفی می‌کند. روزنامه شرق خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری از طرق اقتصاد آزاد را برای جلوگیری از این اقتصاد رانتی پیشنهاد می‌دهد و عنوان می‌کند یک اقتصاد رانتی محکوم به فروپاشی نهایی است در مقابل در روزنامه کیهان اقتصاد آزاد و سیاست‌های بازار آزاد را به غارتگران و بقیه سفیدان مرتبط می‌داند و معتقد است این نوع سیاست‌ها باعث به تاراج رفتن اموال عمومی توسط دانه‌درشت‌ها و مدیران اشرافی شد. روزنامه کیهان بیشتر به تعارض فساد با فرهنگ دینی اشاره کرده است و معتقد است که فساد مسئولان و مدیران

ناکارآمد نباید به پای نظام اسلامی نوشته شود و بیش از آن که به اصل و ماهیت فساد در جامعه بپردازد، همواره به این موضوع اشاره دارد که مبادا با رخ دادن فساد اعتماد عمومی مردم به نظام از بین برود و زمینه برای آسیب زدن به نظام توسط دشمنان داخلی و خارجی فراهم شود. شکل‌گیری طبقه اشرافی در سازوکارهای مدیریتی را ناشی از سیاست‌های اقتصاد آزاد می‌داند و معتقد است این سیاست‌ها نه تنها باعث جلوگیری از فساد نشد، بلکه ظهور یک طبقه رانتهی جدید را به همراه داشت. روزنامه وطن امروز در زمینه مسائل ساختاری و کلان بیشتر هم‌سو با روزنامه کیهان است. این روزنامه، فساد را در کشور از یک سو به کشورهای خارجی و هم‌چنین دولت پهلوی نسبت می‌دهد، و از سوی دیگر معتقد است بی‌توجهی مدیران و مسئولان کشور به دستورات ائمه و نظام عدالت‌محور علی علیه السلام و هم‌چنین عدم توجه به دستورات امام و رهبری باعث بروز فسادهای بزرگ در کشور شده است و این بی‌توجهی مدیران و فسادهای اتفاق افتاده نباید به پای نظام اسلامی نوشته شود. روزنامه اعتماد در زمینه فسادهای اتفاق افتاده از یک سوی به انحصار مدیریتی، و از سوی دیگر به نبود سازوکارهای نظارتی، مدنی جهت شفافیت بیشتر، اشاره کرده است و به این مسأله توجه می‌کند که در دولت نهم به واسطه انحصار قدرت، انحصار مدیریت منابع نفتی، تغییرات ساختاری و تمرکز قدرت در دست افراد و گروه خاص شاهد شکل‌گیری یک جریان و طبقه خاص بوده‌ایم که این گروه خاص به واسطه نبود نهادهای نظارتی و هم‌چنین رسانه‌ها و احزاب و نهادهای مردمی دست به فسادهای نفتی و بانکی گسترده‌ای زده‌اند که در این دوره ما شاهد بزرگ‌ترین فسادهای نفتی (بابک زنجانی) و هم‌چنین بانکی (فساد سه هزار میلیاردی بانک ملی بوده‌ایم). روزنامه اعتماد به نفی اقتصاد لیبرال می‌پردازد و معتقد است که اقتصاد آزاد در شرایطی که یک نوع فرهنگ رابطه‌گرایی و خویشاوندی در کشور حاکم است، رانت و فساد بیشتری را به همراه دارد. در سوی دیگر، به این موضوع اشاره دارد که بیشترین فساد در دولتی اتفاق افتاد که با شعار عدالت‌محوری به مقابله با فساد آمده بود. به‌طور کلی، روزنامه‌ها به جای این‌که به بررسی ساختاری مسأله فساد و دادن راه‌کار برای حل مسأله بپردازند، بیشتر درگیر افشاگری فساد و انتساب این فسادها به دوره مدیریت گفتمان مخالف هستند. این موضوع افشاگری در نوع خود زمینه‌ساز شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر ساختار در مقابل فسادهای رخ داده را به همراه دارد، ولی هرکدام از این مطبوعات از این افشاگری‌ها بهره‌برداری سیاسی در جهت منافع خود را دنبال می‌کند؛ به‌گونه‌ای که با بروز هرکدام از افشاگری‌ها در زمینه فسادهای رخ داده در مقابل افشاگری دیگر از سوی رقیب خنثی و به‌مرور زمان به دست فراموشی سپرده می‌شد؛ به‌عنوان مثال، ماجرای دکل خواری در مقابل قرارداد کرسنت، یا

ماجرای فیش‌های نجومی در مقابل املاک نجومی که هرکدام از مطبوعات و جناح‌های مختلف، دیگری را در پرونده‌های مرتبط محکوم می‌کرده‌اند و در آخر هیچ‌کدام از به‌ماهیت و اصل موضوع توجه نشان نداده و صرفاً برای بهره‌برداری سیاسی این موضوع مطرح شده بود، و یا در پرونده فساد صندوق ذخیره فرهنگیان که هرکدام از روزنامه‌ها آن را منتسب به گفتمان رقیب می‌دانست و اصل ماجرا و فساد اتفاق افتاده در این صندوق در پشت جنجال‌های سیاسی و جناحی در نحوه بازتاب رسانه‌ها پنهان است.

پی‌نوشت

1. Do Graph
2. Hanne Fjelde
3. Albert Tallapsessy
4. Hassan Isyaku
5. Norman Fairclough
6. Utterance
7. Practice Discourse
8. Social Practice
9. Discourse Order
10. Genre
11. Hegemonie

کتابنامه

- احمدی، علی اکبر؛ همایونی، غلامحسین؛ و عسگری ده‌آبادی، حمیدرضا، (۱۳۹۴). فساد اداری و مالی در سازمان‌های امروزی. تهران: نشر فوژان.
- آقازاده، فردوس، (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۰). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. شیراز: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیابانی، غلامحسین؛ و ذوقی، بهنام، (۱۳۹۷). «رسانه‌ها ابزاری برای ترویج شفافیت و مقابله با فساد سیاسی و مالی، رسانه». شماره ۳، صص: ۸۵-۱۰۴.
- تفنگ‌چی، سینا؛ و کاظمی، هاجر، (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌های رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی (مطالعه موردی: برنامه «صفحه ۲ آخر هفته»». مجله مطالعات رسانه‌ای، دوره ۱۲، شماره ۳۶-۳۷، صص: ۶۵-۷۶.
- خندان، عباس، (۱۳۹۵). «فساد اداری و سیاسی: تأثیرات متقابل و نقش عوامل اجتماعی». مجله اقتصاد مقداری، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص: ۷۸-۴۹.
- دوگراف، خیالت؛ واخنار، پیتر؛ و فون‌مارفیک، پتريک، (۱۳۹۴). چشم‌اندازهای

- نظری فساد. ترجمه هانیه هژبرالساداتی، داوود حسینی‌هاشم‌زاده، جلیل یاری، محمد فاضلی، تهران: آگاه.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ صابرد میرچی، حسین؛ و باقری بنجار، عبدالرضا، (۱۳۹۶). «بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات (تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸)». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۳، بهار و تابستان، شماره ۹، صص: ۷۸-۴۳.
- رهنورد، فرج‌الله؛ طاهر پورکلانتری، حبیب الله؛ و رشیدی، اعظم، (۱۳۸۹). «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی». پژوهش‌نامه‌ای مدیریت اجرایی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص: ۵۱-۳۵.
- سازمان بین‌المللی شفافیت، (۲۰۰۵). گزارش جهانی فساد اداری در سال ۲۰۰۵ تهران. معاونت امور مدیریت و منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سپهر دوست، حمید؛ فطرس، محمدحسن؛ و برجیسیان، عادل، (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای کانال‌های تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در اقتصادهای رانتی و غیررانتی». فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال ۳، شماره ۱۰، صص: ۸۸-۳۹.
- فرقانی، محمد مهدی، (۱۳۸۲). «جایگاه مطبوعات در سیاست ملی ارتباطی و رسانه‌ای». مجلس و پژوهش، شماره ۴۲، صص: ۱۶۶-۱۱۹.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران، مهران نبوی، و محمد مهاجر، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- لاک، تری، (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمان انتقادی. مترجم: رضا خیرآبادی و سیما بهمنی، نشر: خط سفید.

- Fairclough, N., (1995). *Media Discourse*. London: Edward Arnold. Blackburn, K. K. C. Neandis.

- Fairclough, N., (2005). "Blair's Contribution to Elaborating a New 'Doctrine of International Community'". *Journal of Language and Politics*, NO. 4(1), Pp: 41-63.

- Fairclough, N., (2003). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. Psychology Press.

- Fairclough, N., (1992b). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.

- Fairclough, N., (1993). “Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public Discourse: The Universities”. *Discourse & Society*, No. 4(2), Pp: 133-168.
- Iwasaki, I. & Suzuki, T., (2012). “The Determinants of Corruption in Transition Economies”. *Economices Letters*, No. 114(1), Pp: 54-60.
- Isyaku, H.; Hasan, H. & Kunalan, R., (2016). “A Study on the Use of Corruption Metaphors in the Online Media of Nigeria, Iraq and Malaysia”. *Journal of Applied Linguistics and Language Research*, No. 3(7), Pp: 68-84.
- Školkay, A. & Ištoková, A., (2016). *Media Coverage of corruption: The role of inter-media Agenda Setting in the Context of Media Reporting on Scandals*.
- Tallapessy, A., (2015). “The Discourse of Corruption: Appraisal in Indonesian Media”. *Sino-US English Teaching*, No. 12(6), Pp: 457-463.